

دوشنبه، بیست‌وهشتم خردادماه ۱۳۶۹

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر صدای آمریکا

بعدازظهر روز دوشنبه بیست‌وهشتم خردادماه، گزارشگر رادیو صدای آمریکا از پاریس با داریوش فروهر، دبیر حزب ملت ایران، به‌وسیله‌ی تلفن مصاحبه‌ای انجام داد که شبانگاه پخش گردید و متن آن در زیر آورده می‌شود.

گزارشگر: آقای داریوش فروهر، امضای شما زیر نامه‌ی نود نفر از شخصیت‌های ایرانی به آقای رئیس‌جمهور دیده نمی‌شد. با توجه به اینکه همواره در راه آزادی ملی فعالیت کرده‌اید و در رژیم پیشین سال‌ها در زندان بوده‌اید، عدم امضای این نامه چه چیز را بیان می‌کند و به‌طورکلی نظر شما راجع به نامه‌ی سرگشاده‌ی مزبور چیست؟

داریوش فروهر: من نظرم را راجع به این نامه می‌دهم و نمی‌خواهم وارد این بشوم که چرا آن را امضاء نکردم، چون این یک موضوع جداگانه‌ای است و بستگی به شیوه‌ی سیاسی من دارد.

اما نظرم درباره‌ی نامه‌ی یادشده این است که بی‌شک آقایان درباره‌ی جریان کارهای کشور در گذشته و حال پیامی داشته‌اند و خواسته‌اند این پیام را به قول خودشان به کسی «که مسئولیت اجرائی و اداری مملکت را به عهده دارد» برسانند؛ و چون در جو اختناق‌آمیز ایران هیچ راه دیگری نمی‌شناخته‌اند، به نوشتن نامه‌ی سرگشاده دست زده‌اند.

چون چند روز بعد، «مسئول اجرائی» مورد خطاب پیرامون این نامه داد سخن داده‌اند، به‌خوبی پیداست که پیام را دریافت داشته‌اند؛ ولی، با افسوس بسیار، پاسخ ایشان با ناسزاگویی درآمیخته بود؛ و، پس از آن هم، روزنامه‌هایی

که وابسته به دولت هستند و بخش‌نامه‌وار انتشار می‌یابند به دشنام‌دهی و بهتان‌زنی و هراس‌افکنی پرداختند و به‌تازگی نیز شماری از امضاءکنندگان نامه‌ی یادشده بازداشت گردیدند.

به گمان من، بهتر می‌بود، در حالی که کشور به وضع هولناکی دچار شده است و مردم به سیاه‌روزی افتاده‌اند،

سران جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده می‌کردند و راه یک گفت‌ووشنود گسترده را پیرامون بحران پدیدآمده در زندگی ملی به دور از جنجال و وحشت‌آفرینی می‌گشودند. تنها با رایزنی و بررسی همه‌جانبه‌ی وضع کشور در

یک فضای سیاسی باز است که می‌توان راهی برای بیرون شدن از دشواری‌ها یافت؛ وگرنه با فحش و تهمت و تهدید و زندان و حتی چوبه‌ی دار و جوخه‌ی تیرباران، کار نظام حاکم به همین جا می‌رسد که اکنون رسیده است.

به گمان من، این نامه‌ی سرگشاده، همچنان که برخی از امضاءکنندگان آن بارها گفته و نوشته‌اند، کوششی

خیرخواهانه برای رهگشایی در بن‌بست کنونی کشور بوده است؛ ولی اگر سران جمهوری اسلامی در برابر چنین

کنش‌هایی واکنش‌های ناهنجاری نشان دهند و در انحصارگری خود پایدار بایستند و همچنان حقوق ملت را نادیده

بگیرند، پریشانی‌ها افزون‌تر خواهد شد. همان‌گونه که چندی پیش گفتم، آزمون‌های تاریخی نشان می‌دهد مردم

زیرستم و ناخشنود از روند یکه‌تازی زمامداران خود برای درازمدت به قهر خاموش و حتی اعتراض‌های پراکنده

اکتفا نمی‌کنند و خیلی زود به پرخاش و خروشی دگرگون‌ساز رو خواهند آورد.

شگفتا در میان همه‌ی جنجال‌های پدیدآورد شده، هیچ اظهار نظری از سوی هیچ یک از دست‌اندرکاران کشور

نسبت به مفاد نامه‌ی سرگشاده نشد؛ ولی پس از گذشت نزدیک به یک ماه از انتشار آن، دادسرای انقلاب اسلامی

تهران، ضمن دادن خبر دستگیری شماری از امضاءکنندگان، همه‌ی ماجرا را به پای «جمعیت دفاع از آزادی و

حاکمیت ملت ایران» گذارد! تا آنجا که به یاد دارم، این جمعیت بارها پای‌بندی خود را به قانون اساسی جمهوری

اسلامی تأکید کرده و، چندی پیش هم که وزیر کشور وقت در یک بازیگری تبلیغاتی حزب‌ها و جمعیت‌ها را به ثبت‌نام

در آن وزارتخانه دعوت نمود، این سازمان سیاسی نوین یاد درخواست‌نامه‌ی ارائه‌شده را پر کرد. اگر به‌راستی در پیشینه‌ی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ایران یا تشکیل‌دهندگان آن چنین نقطه‌ضعف‌هایی بود، چرا به هنگام درخواست ثبت نام آن از سوی وزارت کشور رد نشد؟ و حتی اگر، همچنان که در اطلاعیه‌ی داسرای انقلاب اسلامی تهران آمده، در جریان «نبرد میهنی» به عنوان «ستون پنجم» دشمن عمل می‌کرده، چرا در همان هنگام وابستگان آن تحت پیگرد قانونی قرار نگرفتند، زیرا به هر روی هر نهاد اداری و قضائی باید فارغ از بده‌بستان‌های پشت‌پرده باشد؟

بر روی هم، به گمان من، واکنش‌های نادرست و خلاف قانونی که نسبت به این نامه نشان داده شده است بار دیگر روشن می‌سازد که سران جمهوری اسلامی تاب تحمل کردارهای انتقادآمیز را، اگرچه در چهارچوب قانون اساسی خودنوشته باشند، ندارند.

من، همچون یک شهروند ایرانی، این شیوه‌ی یکه‌تازانه را، که در همه‌ی کردارهای سران و دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی آشکارا به چشم می‌خورد، به‌شدت تقبیح می‌نمایم و مانند همه‌ی مردم انتظار دارم تجاوز به حقوق ملت بی‌درنگ پایان یابد.